



ویتامین V

مکمل حیاتی واژگان زبان

گردآوری و تألیف:

سید عارف مؤمنی

ویژگی‌های کتاب

۱ واژگان این کتاب بر اساس سؤالات کنکورهای سال‌های گذشته و منابع معتبر همچون ۵۴ واژه کاملاً ضروری، واژگان ضروری آزمون تافل و ۱۱۰۰ واژه ضروری انتخاب و طبقه‌بندی شده‌اند. این ترکیب موجب شده تا مهم‌ترین و پرتکرارترین واژگان در اختیار شما قرار گیرد.

۲ در کنار هر واژه، اشکال مختلف آن (اسم، فعل، صفت و...)، مترادف‌ها و کلمات مشابه که در کنکورها تکرار شده‌اند، در یک کادر جداگانه ذکر شده‌اند تا درک بهتر، یادگیری سریع‌تر و مرور مؤثرتر صورت گیرد.

☐ Potentiate

☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐

۱. تقویت کردن، ۲. پتانسیل داشتن

Potential: ظرفیت / Potent: قوی

• واژگانی که دارای دو معنای متفاوت‌اند به وسیله شماره‌گذاری از هم متمایز شده‌اند.

۳ فصل‌های کتاب بر اساس درجه اهمیت واژگان و تکرار در کنکورها مرتب شده‌اند:

• **فصل ۱:** پرتکرارترین واژگان کنکوری (واژگان ضروری)

• **فصل ۲:** واژگان کنکوری مهم و پرتکرار

• **فصل ۳:** افعال دوکلمه‌ای (Phrasal Verbs) و اصطلاحات پزشکی رایج

• **فصل ۴:** واژگان کنکوری با اهمیت متوسط

• **فصل ۵:** واژگان مفید و مکمل

• **فصل ۶:** واژگان سطح بالا برای داوطلبان آزمون‌های TOEFL، MHLE و ...

۴ در پایین هر صفحه، برنامه مرور زمان‌بندی شده درج شده تا به صورت خودکار و بدون نیاز به طراحی جداگانه، بتوانید از مرورهای منظم بهره‌مند شوید.

۵ **قطع جیبی** این کتاب آن را به یک همراه همیشه در دسترس برای مرور سریع و یادگیری مداوم تبدیل کرده است تا داوطلبان بتوانند آن را به راحتی حمل و در زمان‌های کوتاه روزمره مانند مسیر رفت و آمد، بین کلاس‌ها یا استراحت، از آن استفاده کنند.

ما مطمئن هستیم اگر با این کتاب همراه شوید و از برنامه و روش آن پیروی کنید، نه تنها در کنکور نتیجه بهتری خواهید گرفت، بلکه در آزمون‌های تکمیلی و حتی در مطالعات علمی نیز احساس توانمندی بیشتری خواهید داشت.

فهرست

فصل اول: واژگان ضروری	۶
فصل دوم: واژگان پرتکرار	۶۸
فصل سوم: واژگان دوکلمه‌ای و اصطلاحات پزشکی	۱۳۰
فصل چهارم: واژگان کاربردی	۱۶۲
فصل پنجم: واژگان تکمیلی	۱۹۴
فصل ششم: واژگان پیشرفته (TOEFL, MHLE و ...)	۲۱۲

فصل ۱: واژگان ضروری

با مطالعه
این فصل
۲۵٪
قوت
بیشتری
میگیری!



☐ Persuade☐☐☐☐☐☐☐☐

متقاعد کردن

Persuasive: متقاعد کننده / Persuasion: متقاعد سازی، مجاب سازی، ترغیب،

☐ Conceal☐☐☐☐☐☐☐☐

مخفی کردن، پنهان کردن، پوشاندن

= Hide, Cover, Disguis

☐ Reluctantly☐☐☐☐☐☐☐☐

از روی بی میلی

Reluctant: بی میلی / Reluctance: بی میلی، بی علاقه

☐ Afflict☐☐☐☐☐☐☐☐

مبتلا کردن، بیمار کردن

Affliction: بیماری / Afflictions: مبتلایان

☐ Alleviate☐☐☐☐☐☐☐☐

تسکین دادن

Alleviative: تسکین یافتن، کاهش یافتن

☐ Maintain☐☐☐☐☐☐☐☐

نگه داشتن، حفظ کردن

Maintenance: نگهداری، حفاظت

☐ Potentiate☐☐☐☐☐☐☐☐

۱. تقویت کردن، ۲. پتانسیل داشتن

Potential: ظرفیت، توانایی / Potent: قدرتمند، قوی

☐ Agitation☐☐☐☐☐☐☐☐

اضطراب، بی قراری

Agitate: پریشان کردن، تحریک کردن

☐ Overcome☐☐☐☐☐☐☐☐

مغلوب ساختن، غلبه یافتن

= Dominate, Defeat, Conquer

☐ Persist☐☐☐☐☐☐☐☐

مقاومت کردن، ادامه داشتن

Persistence, Persevere: پشتکار /

Persistently: به طور مداوم / Persistent: مصرانه

☐ Overlook☐☐☐☐☐☐☐☐

نادیده گرفتن، غفلت کردن

= Disregard, Neglect, Ignore

☐ Vanish☐☐☐☐☐☐☐☐

ناپدید شدن، از بین رفتن

Vanishing: رو به انقراض

☐ Sensible☐☐☐☐☐☐☐☐

معقول، عاقلانه

Sense: احساس / Sensitive: حساس / Sensitivity: حساسیت

☐ Superficially☐☐☐☐☐☐☐☐

به طور سطحی، ظاهری

Superficial: سطحی

☐ Attenuate☐☐☐☐☐☐☐☐

تضعیف کردن، کاهش دادن

= Weaken, Decrease, Reduce

☐ Counteract☐☐☐☐☐☐☐☐

خنثی کردن، بی‌اثر کردن

= Neutralize, Reverse

☐ Debilitate☐☐☐☐☐☐☐☐

ناتوان‌سازی، تضعیف کردن

Debilitating: تضعیف کننده

☐ Degenerate☐☐☐☐☐☐☐☐

فاسد شدن، از بین بردن

Degeneration: تخریب / Fساد: Degenerative: مخرب

☐ Deleterious☐☐☐☐☐☐☐☐

مضر، آسیب رسان، مخرب

= Harmful, Damaging, Detrimental

☐ Sedate☐☐☐☐☐☐☐☐

آرام کردن، تسکین دادن

Sedentary: بی‌حرکت / ساکن / Sedating: خواب‌آور

فصل ۲: واژگان پرتکرار

با دوز
این فصل
۵۰٪
راه رو
فتح کردی!



☐ Prolong☐☐☐☐☐☐☐☐

طولانی ساختن

= Extend, Lengthen

☐ Swallow☐☐☐☐☐☐☐☐

قورت دادن، بلعیدن

= Digest, Ingest

☐ Abate☐☐☐☐☐☐☐☐

کاهش یافتن، فروکش کردن

= Diminish, Subside, Reduce, Lessen

☐ Acupuncture☐☐☐☐☐☐☐☐

طب سوزنی

= Needle Therapy

☐ Acute☐☐☐☐☐☐☐☐

حاد

Acute Conditions: بیماری حاد / Chronic: مزمن

☐ Benign☐☐☐☐☐☐☐☐

خوش خیم (غده)، مهربان

Benignity: لطف، خوشی خیمی، لطف

☐ Blocked☐☐☐☐☐☐☐☐

مسدود شده

= Clogged

☐ Chronic☐☐☐☐☐☐☐☐

مزمن، طولانی مدت

Chronic Disease: بیماری مزمن / Acute Disease: بیماری حاد

☐ Congest☐☐☐☐☐☐☐☐

گرفتن، پر کردن (خون یا مایعات)

Congestion: گرفتگی، احتقان

☐ Cramp☐☐☐☐☐☐☐☐

گرفتگی عضلانی

= Muscle/Muscular Spasm, Tightness

☐ Destructive☐☐☐☐☐☐☐☐

مخرب

Destroy: نابود کردن / Destruction: تخریب

☐ Discharge☐☐☐☐☐☐☐☐

۱. ترخیص کردن، ۲. تخلیه کردن

= Evacuate, Release

☐ Disorder☐☐☐☐☐☐☐☐

اختلال، بیماری، مشکل

= Condition, Illness, Disease, Disturbance

☐ Dizzy☐☐☐☐☐☐☐☐

گیج، گیج شدن

Dizziness: سرگیجه

☐ Efficacious☐☐☐☐☐☐☐☐

موثر، اثربخش، مفید

Efficacy: کارایی، فایده

☐ Embryo☐☐☐☐☐☐☐☐

جنین

= Fetus

☐ Epidemics☐☐☐☐☐☐☐☐

شیوع، همه‌گیری

= Widespread, Pervasive, Outbreak

☐ Feverish☐☐☐☐☐☐☐☐

داغ، تب دار، بی‌قرار

= Hot, Burning

☐ Gestate☐☐☐☐☐☐☐☐

حامله

Gestation: بارداری / Pregnancy: بارداری

☐ Hallucination☐☐☐☐☐☐☐☐

توهم، خیال

= Illusion, Delusion

فصل ۳: واژگان دوکلمه‌ای و اصطلاحات پزشکی

با مصرف
این فصل
۷۰٪
قدرت واژگان
تو رگه‌اته!



این فصل به دو بخش واژگان دوکلمه‌ای و اصطلاحات پزشکی تقسیم شده است.
 برنامه پیشنهادی: مطالعه روزانه ۱ صفحه اصطلاحات به همراه ۱ تا ۲ صفحه از واژگان دوکلمه‌ای
 اولویت مطالعه واژگان زیر: در صورت محدودیت زمان به واژگان ستاره‌دار * اولویت دهید.

Abstain From ***دوری (اجتناب) کردن از، جلوگیری کردن از**

He decided to abstain from smoking for his health.

او تصمیم گرفت برای سلامتی‌اش از سیگار کشیدن خودداری کند.

Ask Out**دعوت از یک خانم یا آقا برای قرار ملاقات**

John finally asked Mary out to dinner.

جان بالاخره مری را برای شام دعوت کرد.

Bring About ***باعث شدن، موجب شدن**

The new policy brought about many changes.

سیاست جدید باعث تغییرات زیادی شد.

Bring In ***سود کردن**

The company brought in over a million dollars last year.

آن شرکت سال گذشته بیش از یک میلیون دلار سود داشت.

Bring Up ***تربیت بچه‌ها / مطرح کردن یک موضوع**

They brought up their children in the countryside.

آن‌ها بچه‌هایشان را در روستا بزرگ کردند.

Break Up With ***از کسی جدا شدن (رابطه عاشقانه)**

Lisa broke up with her fiancé last week.

لیزا هفته گذشته از نامزدش جدا شد.

Call For ***نیاز داشتن**

This job calls for patience and attention to detail.

این کار نیاز به صبر و دقت دارد.

در این بخش با مجموعه‌ای از کلیدی‌ترین اصطلاحات پزشکی آشنا می‌شوید. تسلط بر این واژگان فهم شما را از مطالب درک مطلب به شکل چشم‌گیری افزایش می‌دهد.

Anatomy

☐ Air Sacs	کیسه‌های هوایی (ریه)	
☐ Artery	سرخرگ	
☐ Atrium	دهلیز قلب	
☐ Bladder	مثانه	
☐ Blood Vessel	رگ خونی	
☐ Cardiovascular	قلب و عروق	
☐ Circulation	گردش خون	
☐ Coagulate	لخته شدن خون	
☐ Gut	روده (عامیانه)	
☐ Bowel	روده	
☐ Intestine	روده (علمی)	
☐ Colon	روده بزرگ	
☐ Endocrine	غدد درون‌ریز	
☐ Excretion	دفع	
☐ Expulsion	دفع، بیرون راندن چیزی	
☐ Facial	صورت	
☐ Fetus	جنین	

فصل ۴: واژگان کاربردی

با این فصل
۸۵٪
ویتامین
واژگان رو
جذب کردی!



☐ Mild	معتدل و ملایم	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Abnormal	غیرطبیعی	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Bite	گاز گرفتن (لقمه)، نیش زدن (مار و ...)	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Breast Feeding	تغذیه با شیر	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Carcinogen	ماده شیمیایی سرطان‌زا	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Communicable	قابل انتقال، مسری	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Conditions	۱. شرایط ۲. اختلال، عوارض	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Drowsy	خواب‌آلود	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Dyslexia	ناتوانی در خواندن و نوشتن	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Febrile	وابسته به تب، پراضطراب	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Geriatric	مربوط به سالمندی	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Imbalance	عدم تعادل، عدم تناسب	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Irreparable	غیرقابل بازگشت و اصلاح	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Lunatic Asylum	تیمارستان	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Malingering	تمارض کردن، به مریضی زدن	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Metastatic	بدخیم	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Modalities	چگونگی و روش	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Natal	مربوط به تولد	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Pandemic	همه‌گیری، گسترش جهانی	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
☐ Pregnancy	بارداری، حاملگی	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐

☐ Puberty	بلوغ	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Quackery	شیادی	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Quarantined	قرنطینه شده	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Symptoms	علائم، نشانه‌ها	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Elderly	سالمند	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Thinning	لاغرکننده و ضعیف‌کننده	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Toll	صدمات، عوارض (مالی، جسمی، روحی)	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Inactive	غیرفعال	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Inactivate	غیرفعال‌سازی	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Prognosis	پیش‌بینی کردن بیماری	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Diagnosis	تشخیص دادن بیماری	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Spread	پخش شدن، گسترش یافتن	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Weak	سست، ضعیف	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Allergic	حساسیت	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Allergen	ماده محرک	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Detoxify	سم‌زدایی کردن	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Inhale	نفس کشیدن، دم	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Exhale	بیرون دادن نفس، بازدم	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Medical Practice	اقدامات پزشکی	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐
☐ Membrane	غشا	☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐ ☐

فصل ۵: واژگان تکمیلی

با این فصل
۱۰۰٪
واژگان رو
قورت دادی!



Life Expectancy	امید به زندگی	Breathe	نفس کشیدن
Lifespan	طول عمر	Ameliorate	بهبود دادن
Life-Threatening	تهدید کننده زندگی	Atrophy	تحلیل رفتن، کوچک شدن
Malfunction	عملکرد نادرست	Injury	صدمه
Meditation	مراقبه	Obviate	رفع کردن، بی نیاز کردن
Mutate	جهش یافتن	Age-Related	مرتبط با سن
Non-Communicable	غیر مسری	Aging	رو به پیری، سالخورده
Overuse	استفاده بیش از حد	Are Advised	توصیه می شوند
Physiological	فیزیولوژیک	Cardiac	قلبی
Plaques	پلاک ها	Chronically	به طور مزمن
Pre-Existing	از قبل موجود	Clinical	بالینی
Probability Of Dying	احتمال مردن	Clinicians	متخصصان بالینی
Sickness	بیماری ها	Consciousness	هوشیاری
Suicide	خودکشی	Deadly	کشنده
Sweating	تعریق	Disease	بیماری ها
Unhealthy	ناسالم	Dying	مردن
Untreated	درمان نشده	Excrete	بیرون ریختن، دفع کردن
Withdrawal Symptoms	علائم ترک	Fluids	مایعات
Aspirate	با نفس تلفظ کردن	Getting Sick	مریض شدن
Aspiration	۱. تنفس، ۲. آرزو	Holistic	کل نگر
Auscultation	سمع، حس شنوایی	Hygiene	بهداشت
Balanced	متوازن	Hyper Cholesterolemia	کلسترول بالا
Clamp	گیره	Intake	جذب کردن، مصرف
Colic	دلپیچه (باد شکم در کودکان)	Itchy	خارش
Curable	قابل درمان	Leading Causes	دلایل اصلی

Stride	قدم زدن، گام	Egest	دفع کردن
Swift	سریع	False Teeth	دندان مصنوعی
Serious	جدی	Spoiled Tooth	دندان فاسد
Abhor	نفرت داشتن	Fist	مشت
Antipathy	انزجار	Hospitalize	بستری شدن در بیمارستان
Belittle	کوچک شمردن	Inhalation	استنشاق
Bother	اذیت کردن، آزار دادن	Lifesaving	نجات دهنده زندگی
Calm	آرام، آرام کردن	Malformed	ناهنجار، بدشکل، ناقص
Comfort	آسایش، آرامش دادن	Opiate	مخدر
Disdain	نفرت	Parasite	انگل
Doubt	شک داشتن	Perfusion	گردش خون، خون رسانی
Fray	نزاع	Perish	هلاک شدن
Hapless	نگون بخت	Pus	چرک
Loathe	بیزار بودن	Reabsorb	بازجذب، دوباره جذب کردن
Reproach	سرزنش کردن (درحد ناامیدی)	Remediation	درمان، آموزش
Rebuke	سرزنش کردن (متوسط)	Saline	محلول آب نمک
Reprimand	سرزنش کردن (شدید)	Scar	جای زخم
Repugnant	زنده	Seizure	حمله ناگهانی بدن (تشنج)
Serenity	آرامش	Fitness	تناسب اندام
Absence	غیبت	Physical Inactivity	عدم تحرک فیزیکی
Defeat	شکست	Champion	قهرمان
Discomfort	درد و ناراحتی	Climb	بالا رفتن
Terrible	ناخوشایند، وحشتناک	Climber	کوهنورد
The Worst	بدترین	Punch	۱. مشت زدن، ۲. سوراخ کردن
Aftermath	پیامد	Referee	داور

فصل ۶: واژگان پیشرفته

یه مکمل قوی
برای داوطلبان
آزمون‌های تکمیلی
(... , Tofel, MHLE)



Stupor	گیجی	Adhesion	چسبندگی، پایبندی
Succumb	تسلیم شدن	Aetiology	علت‌شناسی (بیماری)
Symptomatic	حاکمی	Dispense	توزیع کردن
Venom	زهر	Prolapse	پایین افتادگی
Vitiate	خراب کردن	Rinse	آب کشیدن، با آب شستن
Ambivalent	مردد	Vector	حامل
Beckon	اشاره کردن (با دست یا سر)	Vivisect	تشریح موجود زنده
Bewildered	گیج	Chiropractor	درمانگر با دست
Deplore	محکوم کردن	Decrepit	سالخورده و فرتوت
Discordance	عدم توافق، ناهماهنگی	Excruciating	مشقت‌بار
Elate	خوشحال بودن	Inebriated	مستی
Nix	جلوگیری کردن، متوقف کردن	Innocuous	بی‌خطر
Rave	با حرارت و اشتیاق صحبت کردن	Morgue	سردخانه
Scanty	کم، ناکافی	Moribund	مردنی
Scowl	اخم کردن	Octogenarian	فرد هشتاد ساله
Shriek	جیغ کشیدن	Panacea	علاج قطعی
Shrill	گوشخراش	Peril	خطر
Snub	بی‌اعتنایی کردن	Perilous	خطرناک
Supplant	جایگزین شدن	Pernicious	مخرب
Trifle	مقدار کم	Phobia	هراس
Uneventful	یکنواخت	Salubrious	سالم
Velvety	نرم و مخملی	Satiety	سیری
Abortive	بی‌ثمر	Scald	سوزاندن (با آب یا مایع داغ)
Acme	اوج	Scorch	خشکاندن (گل و گیاه)
Acrimonious	تلخ	Senile	سالخورده
Adamant	مصر	Stunted	رشد نکرده

Benevolent	خیرخواه	Adroit	زیرک
Bereft	فاقد	Alacrity	چابکی
Besmirch	لکه دار کردن	Albeit	اگرچه
Blase	بی تفاوت	Allay	از شدت چیزی کاستن
Blatant	وقیح	Aloof	منزوی
Bliss	سعادت	Altruistic	بشر دوستانه
Blunt	رک	Appalled	وحشت زده
Brash	گستاخ	Aptly	به طور مناسب
Bristle	۱. موی زیر ۲. ناراحت و خشمگین	Ardent	دو آتشه
Buff	دوست دار	Artifice	حقه
Cajole	زبان بازی کردن	Artless	بی آلاش
Caliber	شایستگی	Ascetic	زاهد، ساده زیست
Callous	بی عاطفه	Asinine	احمقانه
Callow	بی تجربه	Asperity	بدخلقی
Candid	رک	Assiduous	سخت کوش
Candor	رک گوئی	Attest	تصدیق کردن
Capricious	دمدمی مزاج	Audacity	جسارت
Caustic	نیش دار	Austere	سخت گیر
Chagrin	حسرت	Avid	مشتاق
Chimerical	خیالی	Badger	نق زدن
Coarse	دانه درشت	Bagatelle	اندک
Comely	زیبا	Balk	امتناع ورزیدن
Condescend	لطف کردن	Banal	پیش پا افتاده
Condone	چشم پوشی کردن	Bedlam	غلغله
Congenial	سازگار	Begrudge	حرص خوردن
Consternation	حیرت (با نگرانی)	Belligerent	دشمنانه